

بقلم: جان فریزر

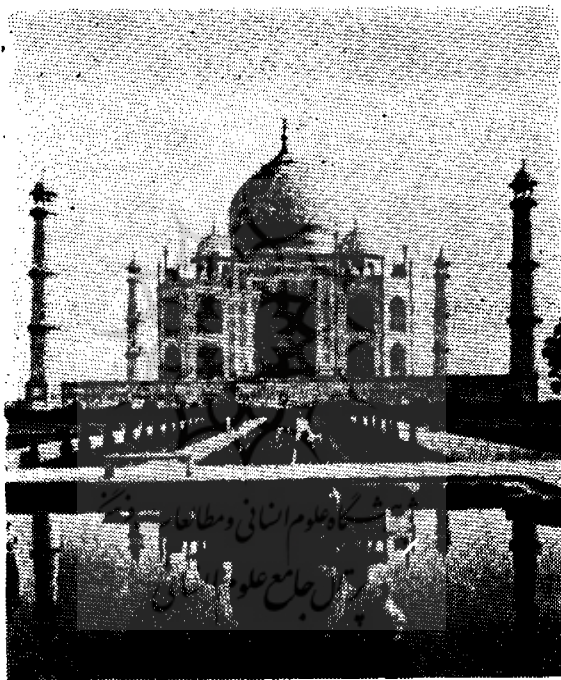
ترجمه: محمد وحید دستگردی

آرامگاه با عظمت معشوقه امپراطور

این بنای با عظمت بر ساحل یمین رود جامنا در ناحیه آگرا در هندوستان واقع است. دویست و بیست و یک پا ارتفاع دارد و با آنکه سیصدسال از عمرش گذشته آنچنان درخشش و تلالؤ دارد که گوئی آنرا از مهتاب تراشیده‌اند. امپراطور مغول شاه جهان این عمارت رفیع بنا کرد. وی امپراطوری خوش ذوق و نکته‌سنج و حامی و مشوق هنر و ادب و معماری بود. شاه جهان سه همسر داشت لکن هیچ زنی در تاریخ مانند معشوقه زیبای وی، ممتاز محل، چنین ناهمی جاویدان پیدانکرده و امپراطور این بنای مجلل را که تماماً از مرمر سفید خالص است بر روی قبر وی بنا کرده است. پرل باک که یکی از نویسندگان مشهور عالم است مینویسد «در جهان تنها چند منظره میتوان پیدا کرد که از توصیفی که درباره آنها شده بهتر و زیباترند و یکی از آن مناظر بدیع همین تاج محل است». اغلب سیاحانی که از هندوستان دیدن کرده‌اند در این رأی متفقند که تاج محل عمارتی منحصر بقره است. سبک ساختمان آن از سبک ساختمانهای ایران و هندوستان و بناهای اسلامی اقتباس گردیده و شاید عشقی که امپراطور به معشوقه زیبای خود داشته نیز در تکمیل این بنای عظیم الهام بخش بوده است.

ملکه ممتاز در سال ۱۵۹۳ متولد شد. وی دختر یکی از بزرگان ایران بود. نامش ارجمند بود و تاریخ دلالت دارد بر اینکه وی شاهزاده خانمی فوق العاده زیبا بوده است. در سن پانزده سالگی بعقد شاهزاده خرم که بعداً بنام امپراطور شاه جهان

موسوم گردید درآمد و پنج سال بعد از آن در تاریخ بیستم مه سال ۱۶۱۲ (تاریخی که ستاره‌شناسان تعیین کرده بودند) مراسم عروسی انجام گرفت. امپراطور جهانگیر که مسحور زیبایی خیره‌کننده عروس خود شده بود او را به لقب ممتاز محل ملقب کرد و آرامگاه سنگ مرمری وی امروز با نام تاج محل معروف است. تاج محل همانا تحریف ممتاز محل میباشد.



آرامگاه موسوم به تاج محل

شاهزاده خرم فرزند سوم همسر دوم امپراطور جهانگیر بود. تصویرش نشان میدهد که شاهزاده‌ای زیبا بوده، پوستی گندم‌گون، چشمانی قهوه‌ای، بینی راست، سبلی زیبا و ریشی آراسته داشته است. حافظه‌ای شگفت‌انگیز داشته و فوق‌العاده باهوش بوده است. یکی از مورخان معاصر مینویسد که «روشن‌ترین جنبه شخصیت او عشق

عمیقی بوده که به ممتاز محل داشته است .»

این زوج سلطنتی چهارده فرزند پیدا کردند که هفت تن آنها در خردسالی درگذشتند . هنگامیکه امپراطور جهانگیر درگذشت . شاهزاده خرم بر تخت سلطنت نشست و برای آنکه بتواند با آرایش خاطر حکومت کند فرمان داد تا همه اقارب ذکور او را بقتل رسانند . این امپراطور سی و یک سال حکومت کرد و دوران حکمرانی وی قرین آرامش و صالح و صفا بود . وی هنر و هنرمندان را تشویق میکرد و عماراتی بسیار زیبا و رفیع بنا کرد .

شاه جهان امپراطوری گشاده دست بود و گشاده دستی وی مأموران سیاسی اروپائی را که در دربار او در دهلی بودند به تعجب و تحیر می انداخت . وی به تخت طاوس بدیعی که زرگران درباری از جواهرهای نادر و گرانبها ساخته بودند علاقه ای خاص داشت . تخت طاوس تختی کم ارتفاع و طویل بود . پایه هایش از طلا بودند و آسمانه ای داشت مرصع و منبت کاری شده که بر روی دوازده ستون زمردین قرار داشت . بر بالای هر یک از ستونها دو طاوس در کنار درختی از الماس ، یاقوت ، زمرد و مروارید می درخشیدند .

در ژوئن سال ۱۶۳۱ مصیبت بناگهان از در فرا رسید . ممتاز محل بهنگام زایمان درگذشت و مرگه نابهنگامش امپراطور را در دریای غم فرو برد . بهمین جهت فرمان داد در دربارش دیگر موسیقی نوازند . لباسهای رنگارنگ خود را بدور افکند و به علامت سوگواری لباس سفید بر تن کرد . مدتی از بار عام دادن خودداری کرد و در مجامع رسمی نیز بندرت حاضر می شد و پیوسته می گفت : «امپراطوری برای من لذتی ندارد و اکنون زندگانی من نیز ارزش خود را از دست قرونهاده است .»

پی ترماندی که مردی انگلیسی بود و در آن اوقات در هندوستان میزیست چنین مینویسد «پادشاه برای همسر درگذشته اش ملکه تاج محل که بوی از بن دندان عشق

میورزید آرامگاهی می‌سازد و قصدش اینست که این آرامگاه از دیگر آرامگاههای موجود بهتر و زیباتر باشد.

ساختمان این آرامگاه در سال ۱۶۳۲ آغاز گردید. بیست هزار کارگر برای ساختن آن استخدام شدند و پس از بیست و دو سال ساختمان آن اتمام پذیرفت. از هندوستان و سایر نقاط عالم، حجاران و جواهر تراشان و نقاشان روی گچ، از بخارا واقع در آسیای مرکزی گل تراشان و از قسطنطنیه، اسماعیل خان رومی که در ساختن گنبد استاد بود بکار دعوت شدند. بزرگترین خوش نویس عصر، امانت خان شیرازی نیز بدان کار فراخوانده شد. دانشمندانی که این بنای مجلل را با دیده تیزبین از نظر گذراندند اکنون عقیده دارند که این خوشنویس عالیقدر که همه جهان او را گرامی میدارند استاد احمد لاهوری بوده است.



شاه جهان و ملکه ممتاز محل

سنگهای مرمر سفید و باشکوه این عمارت را از مکرانا و رایوالا واقع در ایالت راجاستان هندوستان لعل را نیز از راجاستان و سنگهای لاجوردی را از افغانستان آورده اند. رویهمرفته بیش از چهل نوع سنگ تقریباً گرانقیمت و از جمله

فیروزه‌ای که در تبت استخراج می‌شده در ساختمان این بنا بکار رفته‌اند. لکن بعضی از این سنگها بمرور ایام سرقت شده‌اند. برای ساختمان تاج محل پنج میلیون روپیه مصرف گردید و امروزه این ساختمان در حدود شش و نیم ملیون پوند ارزش دارد و از زمان ساختمانش تا زمان کنونی قیمت آن تقریباً ده برابر شده است.

مانند اغلب سیاحان من نیز در اوقات روز بتماشای تاج محل میرفتم. هنگام فلک، موقع ظهر که مرمرهای سفیدگرم در برابر خورشید میدرخشند. در وقت شفق و هنگامیکه مهتاب عالم را منور کرده است این عمارت با ابهت منظره بدیعی دارد.

از دروازه غربی وارد حیاط بیرونی می‌شویم که مسافران قرن هفدهم از آن بعنوان کاروانسرا استفاده می‌کرده والاغ و قاطر خود را نیز در آن مکان جامیداده‌اند. این حیاط اکنون مشجراست و محل توقف اتومبیل‌ها و دوچرخه‌های تماشاگران این عمارت است. در طرف شمال که به باغهای زیبای این عمارت منتهی می‌شود دروازه بزرگی واقع است. این دروازه بصورت راهروی طاقدار مرتفعی است که آیاتی از قرآن روی آن نقر شده است. حکایت کرده‌اند زمانی درهای این دروازه از نقره بوده و هر دری هزار و صد میخ داشته و سر هر یک از میخها يك روپیه بوده است. غارتگران این درهای گرانها را از محل خود جدا کرده و نقره آنها را زوب کرده‌اند.

هنگامیکه وارد راهروهای طاقدار می‌شوید منظره کامل آرامگاه تاج در برابر دیدگان شما نمایان می‌شود و من از مشاهده این منظره بدیع حظ وافر برده‌ام. سپس وارد باغ می‌شویم.

این باغ نیز بسبب همه باغهایی است که امپراطوران بزرگ مغول احداث کرده‌اند. از چهار قسمت مساوی تشکیل شده و هر قسمتی نیز بچهار قسمت دیگر تقسیم شده است. در پائین دور نمای مرکزی که به تاج منتهی می‌شود استخراج معروفی قرار دارد که تصویر گنبد عمارت در آب زلال آن پیوسته شناور است. از درخت گل‌مهره و درخت انجیر

گرفته تا باغچه‌های گلکاری شده زیبا و درختان سروی که در دوردیف غرس گردیده‌اند و هر گیاه دیگر چشم‌بیننده را بطرف تاج محل متوجه می‌سازند.



قبر امپراطور و قبر ملکه در کنار هم

تاج بر روی زمینی که ۲۲ پا ارتفاع و ۳۱۳ پای مربع مساحت دارد از سنگهای مرمر چهار گوش پوشیده شده واقع است، چهار منار زیبا از چهار گوشه آن سربلک بر کشیده‌اند. هر يك از منارها ۱۳۷ پا ارتفاع دارد و قبه‌ای مرمرین بر سر هر يك از آنها نهاده شده است. در طرف چپ مسجد زیبایی قرار دارد که هر روز جمعه مردم در آن نماز می‌گزارند و در طرف راست تاج ساختمانی شبیه مسجد است و این شبیه مسجد بدان سبب بنا شده که معماران امپراطور مغول می‌خواستند بدینوسیله تناسب ساختمان را حفظ کرده باشند.

از راه پله‌ای بالا می‌روید و داخل عمارت می‌شوید و مأمور مراقبی نیز شما را همراهی می‌کند. وی ممکن است یکی از خادمان موروثی باشد که اجدادش خدمتگزار شاه جهان بوده‌اند. او عباراتی از قرآن نشان می‌دهد که روی مرمر سیاه در مدخل آرامگاه نقر شده‌اند. اطلاقی که قبر در آن واقع است تاریک و خالی است و دیواری مشبک دیده می‌شود که از سنگ مرمر سفید دور تا دور تابوت‌های سنگی منقوش کشیده شده است، چلچراغی از سقف آویزان است و این چلچراغ را لردگرنز که از سال ۱۸۹۸ تا سال ۱۹۰۵ فرمانروای هندوستان بوده به این آرامگاه اهداء کرده است.

مزار ممتاز محل در وسط اطاق و در زیر گنبد واقع است. این قبر بطرز بدیعی باعقیق، سنگ لاجورد و سنگهای تقریباً گرانبهایی دیگر تزئین شده است. روی سنگ مرمر قبر کلماتی فارسی نوشته شده‌اند: «مزار باشکوه ارجمند بانوبیگم موسوم به ممتاز محل متوفی بسال ۱۰۴۰ هجری» (۱۶۳۱ میلادی). بر بالای سنگ قبر این کلمات دیده می‌شوند. «خداوند جاوید و باقی است» این عبارت هم از قرآن روی سنگ قبر نوشته شده است «الله‌لااله الا هو یعلم بالغیب والشهود. هو الرحمن الرحیم».

در کنار قبر ملکه در طرف راست آن قبر امپراطور شاه جهان است که از قبر ملکه بزرگتر و مرتفع‌تر می‌باشد. امپراطور نیز در این عمارت مدفون شده است در صورتیکه قبل از مرگش در این مورد چیزی نگفته بود. او قصد داشته آرامگاهی شبیه آرامگاه همسر زیبایش در طرف راست رود جامنا از مرمر سیاه درخشان بنا کند و با ایجاد پلی دو آرامگاه را بهم متصل کند. لکن اورنگ زیب، فرزند سوم پادشاه فرمانی دیگر صادر کرد «پدرم نسبت بمادرم عشق و علاقه‌ای عظیم داشت، پس قبرش نیز باید در کنار قبر همسرش باشد».

سنگهای روی قبر امپراطور و قبر ملکه در این اطاق نسبتاً تاریک کاملاً شبیه یکدیگرند. مطابق سنت باستانی قبرهای حقیقی‌شان در زیر زمین و در سردابی واقع است که بوسیله پله‌های مورب میتوان وارد آن سرداب شد.

امپراطور شاه جهان پس از مرگ همسرش سی و پنج سال حیات داشت. سالهای آخر عمرش قرین سعادت و شادگامی نبود. پسرانش که فرزندان ممتاز محل بودند برای تصاحب تاج و تخت بایکدیگر بجنگ پرداختند. اورنگ زیب که مردی محیل بود بر دیگر برادرانش فائق آمد و پدرش را نیز در قلعه آگرا محبوس کرد. شاه جهان در این قلعه اوقات خوشی نداشت. دخترش جهان آرا مراقب احوالش بود. شاه جهان هفت سال آخر عمرش را یکسره در عبادت و تفکر صرف کرد. لکن هر روز از زندان برج هانندش به آرامگاه معشوقه دلبندهش خیره می‌گشت و قلبش از دیدن آن منظره به تپش می‌افتاد تا سرانجام در ژانویه سال ۱۶۶۶ چشم از مشاهده زیبائیهای آفرینش فرو بست و در دل تیره خاک درکنار همسر دلبندهش آرامش جاویدان گرفت.

خلافت در بغداد

تغییر مرکز سلطنت اسلامی از دمشق به کوفه و هاشمیه و بغداد که در حوالی مداین پایتخت قدیم ایران بودند را فتادان ارکان سلطنت بدست ایرانیان و خراسانیان و واقع شدن کامل خلافت تحت نفوذ ایرانی سرنوشت اسلام را تغییر داد از طرفی در بداوت عربی روح تمدن و آداب و نظم و مملکت‌داری دمیده شد تا اهل و علم دوستی و دانش و ادب رواج گرفت. ترجمه کتب خارجی به عربی و تغییر ضبط وقایع از زوایات شفائی به تاریخ نویسی و تدوین آداب و علوم از آثار آن بود.

(پرویز تاجنگیز)